

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

70fdae312e3d284dde5ffd897c960f46900dacb06f51f2c064de78ef7fcb032e

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

دانشگاه اسلامی - تعداد فیش : 34 ، تعداد مقاله : 1

ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» 1393/06/29

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

...

۳- حاکمیت مبنایی، ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی با تأکید بر:

۱-۳- اهتمام به نظام تعلیم و تربیت اسلامی و اصل پرورش در کنار آموزش و پژوهش و ارتقاء سلامت روحی و معنوی دانش پژوهان و آگاهی‌ها و نشاط سیاسی آنان.

۲-۳- تربیت اساتید و دانشجویان مؤمن به اسلام، برخوردار از مکارم اخلاقی، عامل به احکام اسلامی، متعهد به انقلاب اسلامی و علاقمند به اعتلای کشور.

۳-۳- حفظ موازین اسلامی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/09/19

مصوبات اینجا بایستی اجرا بشود؛ حالا سازوکاری برای ضمانت اجرا تدوین میکنید، فیهاونعمه؛ اگر فرض کنیم که يك سازوکار خاصی هم برای ضمانت اجرای مصوبات اینجا تدوین نمیشود، خود حضور رئیس جمهور و رئیس قوه‌ی مقننه برای قانون‌گذاری - آنجایی که احتیاج به قانون‌گذاری است - و وزرای محترم و مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط، باید به معنای ضمانت اجرا باشد؛ یعنی وقتی که فرض بفرمایید نقشه‌ی جامع علمی - که واقعاً یکی از کارهای بزرگ شورا تدوین این سند نقشه‌ی جامع علمی کشور بود که کار بسیار خوبی شد و سازوکار اجرایی خوبی هم برای آن تدوین شد که این جزو کارها است - تدوین میشود، دستگاه‌های اجرایی هر کدام به سهم خودشان بایستی اهتمام داشته باشند به اینکه این انجام بگیرد؛ یا مثلاً فرض کنید سند مهندسی فرهنگی - که شنیدم کار آن نزدیک به اتمام [است] یا اتمام پیدا کرده - [که] باید برای آن هم سازوکار اجرایی حتماً تهیه بشود که تحقق پیدا کند؛ یا سند دانشگاه اسلامی؛ یا سند تحول بنیادی آموزش و پرورش که وزیر محترم آموزش و پرورش خود را متعهد بدانند که این را عملی کنند و اجرایی کنند؛ یا سند راهبردی نخبگان کشور - که در آن جلسه خود بنده هم شرکت کردم که سند بسیار مهمی است - که این مسئله را خب معاونت محترم رئیس جمهور بایستی تعقیب کنند؛ و خلاصه باید خود اعضا و دستگاه‌های فرهنگی قبول کنند و باور داشته باشند که ما این جایگاه را به‌عنوان يك قرارگاه مرکزی [قرار دادیم].

بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها 1389/04/20

جوان دانشجوی ما انصافاً امروز بی‌نظیر است؛ اساتید ما هم همین‌جور. این همه استاد مؤمن، متدین، فعال، علاقه‌مند به سرنوشت دینی و اسلامی کشور و ملت، در کشور ما نه فقط هیچ‌وقت وجود خارجی نداشته است، بلکه در مخیله کسی هم نگنجد است؛ کما اینکه امروز هم در دنیا چنین چیزی وجود ندارد. محیط دانشگاه‌های ما یک چنین محیطی است؛ محیط دین است، محیط اسلام است. البته نه اینکه ما به این اندازه قانع باشیم؛ نه، بحث قانع بودن نیست؛ اما انسان نمی‌تواند عمیقاً راضی و خشنود نباشد. این، نعمت بزرگ خداست. پس این‌ها واقعیات است. محیط دانشگاه یک محیطی است حقیقتاً مساعد، حقیقتاً مناسب؛ و با انتظاراتی که از این محیط وجود دارد، حقیقتاً برجسته از لحاظ دینی.

بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها 1389/04/20

قیل از انقلاب، بعضی از روحانیون، از جمله بنده‌ی حقیر با دانشجویها ارتباطاتی داشتیم. این ارتباطات، ارتباطات سازمانی نبود، ارتباطات تشکیلاتی نبود، ارتباطات در مسائل مبارزاتی تند نبود؛ ارتباط فکری و تبیینی بود؛ یعنی جلساتی داشته باشیم که دانشجویها در آنجا شرکت کنند، یا ما احياناً در جلسه‌ای از جلسات دانشجویی در دانشگاه شرکت کنیم. در آن اوقات، بنده در مشهد جلسه‌ای داشتم که بین نماز مغرب و عشاء برگزار می‌شد. پای تخته می‌ایستادم و به قدر بیست دقیقه یا نیم ساعت صحبت می‌کردم. مستمعین هم نوددرصد جوان بودند؛ جوانها هم غالباً دانشجوی و بعضاً دبیرستانی. یک شب مرحوم شهید باهنر (رحمة الله علیه) مشهد بود، با من آمد مسجد ما. وضعیت را که دید، شگفت‌زده شد. حالا آقای باهنر کسی بود که در تهران با مجامع جوان و دانشجویی هم مرتبط بود. ایشان گفت که من به عمرم این‌قدر جمعیت دانشجویی و جوان در یک مسجد ندیده‌ام. حالا توی مسجد ما مگر چقدر جوان بود؟ حد اکثر مثلاً سیصد و چهل پنجاه نفر. در عین حال برای یک روحانی روشن‌فکر مرتبط با جوانها، مثل آقای باهنر، که خودش هم دانشگاهی بود و دوره‌های دانشگاهی را دیده بود و محیطهای دانشجویی را می‌شناخت و از فعالیتهای مذهبی به‌روز و متجددانه هم مطلع بود، جمع شدن حدود سیصد یا سیصد و پنجاه نفر جوان- که شاید از این تعداد، مثلاً دویست نفرش دانشجو بودند- چیز عجیبی بود و ایشان را دهشت‌زده و تعجب‌زده کرده بود؛ دویست تا دانشجو یکجا جمع بشوند و یک روحانی برایشان صحبت کند؟!

حالا- این را مقایسه کنید با وضعیتی که امروز شما توی دانشگاه دارید. دسترسی روحانی فاضل جوان- مثل شما- به محیط دانشگاهی، به دانشجو، به استاد؛ این را مقایسه کنید، ببینید چه فرصت عظیم و گرانبهائی است. این فرصت را باید نگه دارید، این فرصت را باید خیلی مغتنم بشمرید؛ نکته‌ی اصلی این است. اهمیت این حادثه و پدیده از اینجا هم فهمیده می‌شود که انگشت اشاره‌ی بسیاری از بدخواهی‌ها و تبلیغات سوء، اتفاقاً به سمت همین محیط دانشگاه است. می‌بینید توی این تبلیغاتی که می‌شود، یکی از چیزهائی که رویش فشار می‌آورند، مسئله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌هاست، که چرا جمهوری اسلامی می‌خواهد دانشگاه‌ها اسلامی بشود؛ که یکی از مظاهر اسلامی شدنش همین است.

بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی 1385/07/25

ما پیشرفت داشته‌ایم و در این ریزش و رویشی که نظام اسلامی دارد، مجموعاً رویش ما از ریزشمان بیشتر بوده است و پیش‌رفته‌ایم؛ علاوه بر اینکه در میدانهای گوناگون دیگر- میدانهای علمی و غیره که شماها گفتید و می‌دانید و بیان شد- پیشرفت‌های زیادی داشته‌ایم. ولی همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اولی راهیم؛ ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبنایی معرفتی‌اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبنایی معرفتی کامل کنیم؛ یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هرکدام مترتب بر همدیگر است؛ این‌ها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم. تا مکارم اخلاق اسلامی و دانشگاه اسلامی- همین توقعاتی که شما دارید و آرزوهای بلندی که به حق در نسل جوان ما هست- تحقق پیدا کند، راه طولانی‌ای داریم. اینکه می‌گوییم اول کار هستیم، یکی از نشانه‌هایش این است. و از طرف دیگر، این فکر، فکری نیست که در چهارچوب حصار جغرافیایی یک کشور بگنجد و بتواند بماند؛ این، به طور طبیعی باید انتشار پیدا بکند و عقبه‌ی عاطفی و فکری ملتها را برای خودش کسب کند. البته از اول انقلاب، موارد متعددی از این را ما دیده‌ایم و پیش آمده است؛ امروز هم همین است؛ منتها احتیاج دارد که این عقبه، هرچه بیشتر استمرار داشته باشد.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) 1384/10/29

اگر شما بتوانید گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامعه‌ی آراسته‌ی علم، خودش را نشان بدهد، ارائه دهید، کار بزرگی که کرده‌اید، این است که راه را برای ورود نخبگان در این میدان‌ها باز کرده‌اید. آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، آن خلأ امروز دنیاست. دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و

معنویت، علم و اخلاق را باهم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد. اینکه گفتند علم با دین می‌سازد یا نمی‌سازد، این ندیدن منطقی نفوذ علم و دین است؛ این‌ها هرکدام یک منطقه‌ی نفوذی دارند؛ تلفیق این‌ها، این است که علم- یعنی این سلاح را- ایمان- یعنی آن به کار برنده- می‌گیرد و جهت را مشخص می‌کند؛ با این سلاح می‌شود بهترین و بدترین آدم‌ها را هدف قرار داد؛ منتها تا این سلاح دست که باشد؟ این سلاح «علم» است و «ایمان» جهت آن را مشخص می‌کند. اگر ایمان بر دانش غربی تسلط داشت، دانش غربی به بمب اتم نمی‌رسید، تا بعد این‌قدر تویش گیر کنند که چه کارش کنیم؛ محدودش کنیم؛ نگذاریم تا دنیا ویران نشود. کارشان اصلاً به اینجا نمی‌رسید. اگر ایمان با دانش همراه بود، اصلاً استعمار و استعمار نو- که استعمار نو مخلوق دانش بود- به وجود نمی‌آمد. تسلط بر کشورها، تصرف قهرآمیز بر ملت‌ها و بردن ثروت ملت‌ها- که این بلای این دو بیست سال گذشته‌ی دنیا و ملت‌هاست- این‌ها اصلاً به وجود نمی‌آمد. علم جدا از ایمان، این است و شما در دانشگاه اسلامی، می‌خواهید این خلأ را پر و علم را با ایمان آمیخته کنید؛ یعنی دانش را چه در بافت درونی خودش، چه در استنتاجش و چه در جهت‌گیری‌هایی که در آن به کار خواهد رفت، از ایمان سیراب کنید.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) 1384/10/29

دانشگاه امام صادق یک پدیده‌ی ممتاز است؛ صرفاً یک دانشگاه مثل بقیه‌ی دانشگاه‌ها نیست که فقط می‌خواهند دانشجو و عالم تربیت کنند؛ این هم هست؛ منتها علاوه بر این، می‌خواهد از همه جهت، یک الگوی دانشگاه اسلامی باشد؛ از جهت انگیزه‌های ایمانی، رعایت‌های عملی و رفتاری، و عشق به علم و علم‌آموزی عاشقانه و مؤمنانه. اینکه امام می‌فرماید: «من دوست داشتم بر سر شاگردان تازیانه‌ها بلند می‌شد، برای اینکه این‌ها را به علم بکشانند»، این معنایش چیست؟ علم را اسلام قدسیت بخشیده، علم یک امر مقدس است؛ دنبال علم رفتن دارای قدسیت است. این‌طور نیست که علم مثل هر ابزار دیگری، فقط وسیله‌ای برای پول در آوردن باشد- حالا پول هم از آن در می‌آید- اما قدسیت علم باید حفظ شود؛ «العلم نور»؛ نور بودن علم باید مورد نظر باشد و از جمله‌ی شئون دانشگاه اسلامی، یکی همین است. همه خیال می‌کنند دانشگاه اسلامی که می‌گوییم، یعنی حجاب‌ها این‌طوری باشد، پسرها آستین کوتاه نپوشند و زلف‌ها بلند نباشد؛ این‌ها که معنای دانشگاه اسلامی نیست! دانشگاه اسلامی از لحاظ ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم‌آموزی مؤمنانه، این‌ها شرط دانشگاه اسلامی است. آن وقت جهت دادن؛ جهت دادن به این علم‌آموزی؛ که بهترین کاری که در دانشگاه شد، یکی همین بود که این دانشگاه را مخصوص علوم انسانی کردند؛ که این منطقه‌ی واقعاً خلأ و فراغی بود؛ یک خلأ است که آن باید پر شود. خوب، اگر شما که دانشجوی این دانشگاه هستید و در این بیست و چند سالی که این دانشگاه سرپاست، توانسته باشد این رسالت را انجام دهد- که یک نمونه‌ی دانشگاه و متخرّجین دانشگاه، به صورت مطلوب و اسلامی فراهم بیاورد- این دانشگاه به دستاورد بسیار بزرگی رسیده است. این دانشگاه، این است. از این دانشگاه، توقع چیز دیگر و فراتر از این است.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب فرهنگی، هنوز دانشگاه‌ها اسلامی نشده است؟ مسئولیت آن به عهده‌ی چه کسی است؟ البته کارهای خیلی خوبی شده؛ اما به، شما راست می‌گویید؛ دانشگاه‌ها صددرصد اسلامی نیست. اسلامی هم فقط به معنای رعایت کردن حجاب و این حرف‌ها نیست؛ همین تحقّق علم و تحقیق، اسلامی است. اگر بخواهیم دانشگاه به‌طور کامل اسلامی باشد، باید همه‌ی جنبه‌ها در آن رعایت شود، که نشده است. البته باید تلاش کنید؛ کار دست شما دانشجویان است.

به نظر شما نقش مدیریت اسلامی در دانشگاه و تأثیر آن بر حرکت‌های اسلامی دانشجویان چیست؟

اگر به معنای حقیقی کلمه، موازین اسلامی مدیریت مورد توجه قرار گیرد، بدون تردید در همه‌ی حرکت‌های علمی و فرهنگی دانشگاه تأثیر می‌گذارد و در همه‌ی بخش‌ها خیلی ساماندهی می‌کند؛ به اعتقاد ما این‌طور است. بنده الان هرچه نگاه می‌کنم، در بخش‌هایی که موفقیت‌های چشمگیر داریم- چه در دانشگاه و چه در خارج دانشگاه- جای پای عناصر مؤمن و مسلمان و معتقد را می‌بینم. در دانشگاه شما هم بنده کارهای برجسته‌ای را مشاهده کردم که کار همین بچه‌های مؤمن و متدین و معتقد است. کارهای خوب، از انسان‌های مؤمن صادر می‌شود. علی‌القاعده مدیریت اسلامی بر حرکت اسلامی دانشجویان تأثیر مثبتی خواهد داشت؛ هم کمک می‌کند به این حرکت‌ها، و هم کمک می‌کند تا این حرکت‌ها راه درستشان را ادامه دهند و دچار اشتباه و خطا نشوند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

مسئولان دانشگاهی (که اسم آن‌ها در این برگه آورده شده است) برای سرپوش گذاشتن بر تخلفات خود، قوانین را از دید دانشجو مخفی می‌کنند، تا جایی که عده‌ای از دانشجویان برای احقاق حق خود ناچار به مراجعه به محاکم قضائی می‌شوند. ضمناً وضعیت ظاهر اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی بسیار زشت و تأسیف‌آر است؛ چرا کسی رسیدگی نمی‌کند؟

مگر می‌شود قانون را مخفی کرد؟ انسان قانون را می‌خواند. قانون که دست کسی نیست؛ قانون چاپ شده است و می‌شود رفت آن را پیدا کرد. بنابراین، این حرف درست نیست. اما در باره‌ی وضعیت اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی؛ اگر همین‌طور باشد، باید آقایان رؤسا که اینجا تشریف دارند، آن را دنبال کنند. به، هم بواطن را باید رعایت کنند، هم طواهر را.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1378/09/23

می‌بینم که در محیط کار فرهنگی ما به‌عنوان اسلام، کار خیلی کمی انجام می‌گیرد. فرض بفرمایید وزارت ارشاد نمی‌آید اعلان کند که من می‌خواهم «سینمای اسلامی» درست کنم! مگر ما از چه خجالت می‌کشیم؟! یک روز در این دنیا کسانی بودند که از گفتن «بسم‌الله» و از بردن نام اسلام، خجالت می‌کشیدند؛ ما آمدیم اسلام را در دنیا سگه‌ی رایج و نرخ شاه‌عبّاسی کردیم. حالا خجالت بکشیم از این‌که بگوییم سینما و تئاتر اسلامی می‌خواهیم؟! چرا اعلان نمی‌کنند؟ صریحاً بگویند که ما می‌خواهیم سینمایمان را اسلامی کنیم. «سینمای اسلامی» یعنی چه؟ یعنی ما می‌خواهیم محتوای این تکنیک، این قالب و این هنر را که از دیگران گرفته‌ایم - مثل خیلی چیزهای دیگر - اسلامی کنیم. ما می‌خواهیم از قالب این، هرچه را که با اسلام منافات دارد، حذف کنیم. چه مانعی دارد این گفته شود؟! چرا گفته نمی‌شود که ما در هنرهای نمایشیمان و در دانشگاه و در فلان برنامه، کارگردان مسلمان می‌خواهیم؟! به این معنا تصریح شود که ما می‌خواهیم کارگردان مسلمان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر مسلمان درست کنیم و فضای جامعه را اسلامی کنیم. چرا این تصریح نمی‌شود؟! چرا در محیط دانشگاه تصریح نمی‌شود که ما می‌خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟! من چند سال قبل، این را مطرح کردم، البته اطلاع دارم که آقایان جلساتی دارید؛ ان‌شاءالله که این جلسات به نتایج خوبی هم برسد. من می‌گویم از این‌که شما بگویید «ما می‌خواهیم دانشگاه، اسلامی باشد»، خجالت نکشید و از این نترسید. این، آن چیزی است که این ملت برای آن قیام کرده است و من و شما پوسته‌ی رویی و ظاهر این ملت هستیم. اراده‌ی ما، فکر، گمان و روحیات ما حاکی از اعماق عظیم قشرهای این ملت نیست! قشرهای ملت، همان کسانی هستند که این انقلاب را به‌وجود آوردند، این جنگ را اداره کردند و این همه شهید دادند. الان هم حاضرند؛ اگر امتحانی پیش آید، همان‌طور شهید خواهند داد، کشته خواهند شد و گرسنگی خواهند کشید. مردم، مؤمنند.

پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها 1378/07/06

امروز بحمد الله دانشگاه مانند دیگر محیط‌های اجتماعی کشور اسلامی ما، مزین به نشانه‌های دینی و آراسته به صفا و دیانت و روحیه انقلابی است. دانشگاه انقلاب در طول دو دهه در همه‌ی صحنه‌های انقلابی حضور فعال داشته و شهیدان بلند آوازه‌ای تقدیم کرده است. شما دانشجویان عزیز و شما استادان گرامی امروز امانت‌دار این بخش مؤثر از پیکره‌ی فعال و پر نشاط کشور اسلامی عزیزمان می‌باشید.

پیام به گردهمایی ویژه دانشجویان و دانشگاهیان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره) 1378/03/12

انقلاب اسلامی، جهتگیری دانشگاه را یکسره دگرگون کرد و خودباوری، و ابتکار، و استقلال، و پایبندی به ارزش‌های اسلامی، و جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت، را جهت اصلی آن قرار داد.

امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهتگیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالندهی کشور است. نظام اسلامی نشان داده است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آنکه بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان میبرد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده است که بوسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاهدارد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران 1377/02/22

لطفاً ویژگی‌های دانشگاه اسلامی را که مد نظر حضرت‌عالی است، بیشتر تشریح فرمایید.

من در این زمینه، چند سخنرانی کرده‌ام و این‌طور هم نیست که حالا بشود در دو کلمه گفت. من به طور خلاصه دانشگاه اسلامی را دانشگاهی می‌دانم که در آن، علم یک ارزش حقیقی است. آدم علم را برای گرده‌ی نانی که از آن طریق می‌شود به دست آورد، تحصیل نمی‌کند. ببینید، نبی اکرم می‌فرمایند: «اطلبوا العلم و لو بالصَّیْن». یعنی با شرایط آن روز، اگر لازم است از حجاز به چین بروید تا علم به دست بیاورید، بروید. آن روز برای چقدر پول و چقدر درآمد ممکن بود یک نفر سوار شتر یا سوار کشتی شود و به چین برود؟! مگر امکان دارد چنین تلاشی در مقابل درآمد مادی باشد؟! این معنایش آن است که علم ارزش است. این در دانشگاه اسلامی باید باشد. شما باید علم را دوست بدارید، ارزش بدانید، آن را برای خدا و با نیت خالص دنبال کنید. ضمناً عزیزان من! باید به تهذیب نفس بپردازید و بنیانهای اخلاقی را در خودتان تقویت کنید. برای یک کشور، عالم و محقق و پژوهشگر و نابغه، ثروت خیلی بزرگی است؛ اما به شرط اینکه در او بنیانهای اخلاقی استوار باشد؛ وجدان اخلاقی زنده باشد، و الا آن علم به درد نمی‌خورد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران 1377/02/22

تکلیف نیروهای علمی تازه جذب شده به اعضای هیئت علمی دانشگاه در خصوص کمک به اسلامی کردن دانشگاه‌ها چیست؟ مسأله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در برنامه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است که برایش برنامه‌هایی دارند، کارهایی انجام می‌دهند و در زمینه‌های مختلف آن را ریز کرده‌اند. در این جهت، نیروی تازه جذب شده و نیروی قدیمی، فرقی نمی‌کند؛ گمان نمی‌کنم تفاوتی داشته باشد. به‌هرحال، در روش این کار، من هیچ دخالتی نمی‌کنم و نکرده‌ام. روش، مربوط به مسئولان دانشگاه‌ها و اعضای برجسته‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ آن‌ها باید تصمیم بگیرند. من ایده را مطرح نمودم و از آن‌ها مطالبه کردم و مطالبه هم خواهم کرد و اگر دانشگاه‌ها اسلامی شده، فهمیده بشود و معلوم گردد که من چه خواستم و چه گفتم. فکر نمی‌کنم حتی یک نفر در دانشگاه‌ها باشد که ضرورت و خوب بودن و مفید بودن آن را احساس نکند. بنابراین، همه تکلیف دارند که در این زمینه کار کنند. البته من هم می‌توانم این را احساس کنم که منظور از اسلامی شدن دانشگاه‌ها، همیشه و همه جا و نزد همه درست فهمیده نشده باشد. بعضی‌ها آن را خیلی محدود، کوچک و ضعیف فهمیده‌اند. مقصود، یک مسأله‌ی خیلی والاتر از این حرف‌هاست.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران 1377/02/22

نظر شما در باره‌ی طرح «انطباق امور پزشکی با قوانین شرع» چیست؟

من این طرح را اصلاً ندیدم و از وجودش هم خبر نداشتم. از جنجال روزنامه‌ها فهمیدم چنین طرحی هست؛ یک عده مخالفند، یک عده موافق. من نمی‌دانم این طرح چیست و چگونه است. اصلاً من در باره‌ی قوانین و مقررات اظهار نظر نمی‌کنم. عمداً هم اظهار نظر نمی‌کنم؛ چون مجرای دارد که باید خودش به طور طبیعی آن مجرا را طی کند. البته اگر قانونی شد، من از قانون اطاعت می‌کنم؛ همه هم وظیفه دارند که اطاعت کنند. به‌هرحال، اگر معنای این کار این است که ما می‌خواهیم موازین اسلامی را در دانشگاه‌ها رعایت کنیم، این چیز خوب، بلکه لازمی است. البته اگر اشکالاتی دارد، آن اشکالات را باید برطرف کنیم.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران 1377/02/22

من معتقد به همبستگی، من معتقد به روابط حسنه‌ام؛ روابط حسنه‌ای که به معنای عدول از دانسته‌های صحیح و یقینی نیست. من معتقدم بین گروه‌های دانشجویی، با هر سلیقه‌ای که هستند، باید روابط حسنه برقرار باشد. شما نگاه کنید؛ کشورهای دنیا، گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی در عالم، با وجود اختلافات فراوانشان، دور یک میز می‌نشینند، حرف می‌زنند، مذاکره می‌کنند؛ بالاخره به جایی هم می‌رسند. معنا ندارد که در محیط دانشگاه اسلامی، افرادی که به اصول واحدی معتقدند، اسلام را قبول دارند، امام را قبول دارند، انقلاب را قبول دارند، ارزش‌ها را قبول دارند؛ اما سلیق‌های مختلفی هم دارند، این‌ها با همدیگر کنار نیایند. من نمی‌توانم این را بفهمم و قبول کنم.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1376/11/04

من انتظار و خواهش از شورای عالی انقلاب فرهنگی این است که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را بحث کنید. اصلاً این موضوع را مورد مطالعه قرار دهید. البته به نحو حمل شایع صناعی، قطعاً مسائلی هست که مربوط به تهاجم فرهنگی است و الآن بحث می‌شود؛ شکی نیست. مثلاً بحث در مورد همین مسأله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها به حمل شایع، بحث از تهاجم فرهنگی است؛ ولی باید به حمل اولی و ذاتی در باره‌ی خود تهاجم بحث کنید! آیا واقعاً آنکه بنده در قضیه‌ی تهاجم فرهنگی می‌فهمم، اصلاً درست است یا نه؟ این را مناقشه کنیم؛ اگر دیدیم که درست است، اگر دیدیم که حقیقتاً ارزش‌ها، اصول، پایه‌ها و مبانی، مورد تهاجم قرار دارد، سند اصلی مقابله با این تهاجم، اینجاست و اینجا نایستی از این قضیه و این کار غفلت کند. باید این شاء الله با جدیت دنبال فرمایید.

البته من باید اقرار کنم که از کارکرد شورا، حقیقتاً و قلباً راضی هستم؛ یعنی این مجموعه‌ی باارزشی که الآن دور هم جمع شده‌اید، شاید واقعاً با این سنگینی و با این وزانت علمی هیچ مجموعه‌ای را در کشور نداشته باشیم. یعنی مجموعه‌ای رسمی نداریم، شاید مجموعه‌ای غیر رسمی باشد که ما نمی‌شناسیم. واقعاً بین مجموعه‌های رسمی، با این وزانت علمی و فرهنگی که این مجموعه دارد، شاید هیچ مجموعه‌ای نباشد. بنده هم خوشحالم که ما این مرکز بسیار مهم را داریم. من از اینکه شنیدم و گزارش داده شد که بعضی از حضرات برای حضور، و برای شرکت در بحثها، خیلی اهتمام دارند، بسیار خوشحالم و از این حضرات هم تشکر می‌کنم.

البته از همه‌ی برادران و خواهران بایستی درخواست کنیم که نسبت به حضور در جلسه هم کم‌کم و هم کیفاً اهتمام داشته باشند. این جلسه در سابق، هر هفته تشکیل می‌شد؛ حالا ظاهراً دو هفته یکبار تشکیل می‌شود. دو هفته یکبار، زمان خیلی زیادی هم نیست، برای اینکه همه مقید باشند که حتماً در هر جلسه از اول تا آخر و در بحثها شرکت کنند؛ یعنی حضورشان در جلسه، حضور فعال و مثبتی در بحثها باشد. این شاء الله اگر این طور باشد، این جلسه به نتایجش خواهد رسید. در ضمن آن چیزهایی که در گزارش دیدم، مصوباتی که بوده، مصوبات خوبی بوده است. مجموعه‌هایی هم که درست شده است برای بعضی مقاصد، مثل همین مسأله‌ی اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بعضی چیزهایی دیگر، یا تغییر و اصلاح ساختار که برخی مخصوص رسیدگی به این قضیه شده‌اند همه مثبت و باارزش است و بنده صمیمانه از همه‌ی آقایان متشکرم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1376/10/12

نقطه‌ی سوم هم بی‌اعتقادی مردم به اسلام و نظام و ایمان اسلامی است. این را هم به شدت تبلیغ می‌کنند. خوب؛ در داخل کشور، جوانان ما، دانشجویان ما، همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه‌داری برجسته‌ترین جوانان این مملکت است. بهترین جوانان هر کشور، جوانانی هستند که صاحب‌فکر و با اندیشه باشند. قاعدتاً و غالباً در میان دانشجویان، این‌طور کسانی به صورت وافر پیدا می‌شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان هم این‌طور جوانان خوب هستند. ولی در زمان قدیم زمان ما که جوان بودیم در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه‌های دیگر و در همه‌ی ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند! در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می‌کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند.

عزیزان من! من این را همین‌جا بگویم که دست‌هایی تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دین‌دارتر و بااخلاق‌تر بودند! این، دروغ است.

سابق یعنی چه وقت؟ یعنی دویست سال قبل؟ بله، ممکن است؛ البته آن را هم ما چیزهایی شنیده‌ایم، ندیده‌ایم.

آن سابقی که ما یادمان است پنجاه سال قبل، چهل سال قبل، سی سال قبل انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می‌شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود! مردم راه می‌رفتند و راحت سیگار می‌کشیدند، غذا می‌خوردند، ساندویچ می‌خوردند! اصلاً کسی احساس نمی‌کرد که اینجا روزه است! مشهد که شهری مذهبی بود ما در مشهد بودیم مردم راحت و علنی روزه می‌خوردند؛ کانه در بعضی از بخش‌های شهر، اصلاً ماه رمضان نیامده است! در مساجد ظهر ماه رمضان در غالب مساجد که انسان سر می‌زد و می‌رفتیم، می‌دیدیم پنجاه نفر، چهل نفر، حد اکثر صد نفر جمعیت نشسته بودند؛ مگر اینکه در جایی یک منبری معروف خوش‌بینانی باشد!

امروز شما نگاه کنید! همه جا روزه‌دار است، همه جا در حال ذکر و در حال توجه است و بهترین روزه‌داران از میان جوانانند. جلسات قرآن، جلسات دعا، جلسات توسل، جلسات تضرع و سخنرانی‌های طولانی هست. اصلاً آیا با گذشته قابل مقایسه است؟ اعتکاف نیز همین‌طور بود. اصلاً اعتکاف در گذشته خیلی کم بود؛ سخت بود، کار مشکلی بود. باید سه روز، روزه می‌گرفتند، در مسجد می‌ماندند و از مسجد بیرون نمی‌رفتند؛ همه‌کس حاضر نبود.

امروز جوانان ما در دنیایی که نسل جوان روز به روز، رو به فساد بیشتر می‌رود در این مملکت، روز به روز پاکیزه‌تر، طاهرتر و نورانی‌تر می‌شوند. آن وقت تبلیغات استکباری، این کشور و این جوانان، این دانشگاه، این دانشجو و این استاد دانشگاه و نیز این طبقات گوناگون مردم را که همه سعی می‌کنند به خدا نزدیک شوند، و خودشان را بیشتر با اسلام و احکام اسلامی منطبق کنند، می‌کوشد این‌گونه وانمود کند که از اسلام دور شده‌اند!

بیانات در دیدار جمعی از پرستاران 1376/06/19

ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کنند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. اینکه می‌بینید دنیای غرب نسبت به پایبندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دین‌داری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیّت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضدّ روش آن‌هاست. آن‌ها علم را پیش بردند البته کار مهمّ و بزرگی بود اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرّج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرّج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون بیاید. این، آن چیزی است که آن‌ها نمی‌پسندند و نمی‌خواهند. به همین خاطر، سال‌هاست که با انواع تهمت‌ها، به جمهوری اسلامی تهمت می‌زنند. این تهمت‌ها آنقدر مکرر شده که برای شنوندگان تهوع‌آور است! جمهوری اسلامی را به تعصب و تحجر و به قول خودشان بنیادگرایی، یعنی خشکی بی‌حدّ و اندازه‌ای که هیچ انعطافی در آن نیست، متهم می‌کنند! اسلام را این‌گونه معرفی می‌کنند؛ در حالی که خشکی آنجاست، زندگی دور از معنویت و عطف و رحمت و انسانیّت آنجاست که حتی محیط گرم خانواده هم قادر نیست کودکان را در خود نگهدارد.

پیام شفاهی به دانشجویان 1375/07/03

فرزندان عزیزم! شما در دانشگاه‌ها به نام اسلام و برای تأمین هدف‌های عالی‌های اسلامی، فعالیت می‌کنید. این خصوصیت اگر در عمل تحقق یابد، می‌توان گفت که کمتر فعالیت، از لحاظ ارزش با آن برابری تواند کرد. نام‌های گوناگون مهم نیست و سلائق مختلفی که به جدایی این نام‌ها از یکدیگر می‌انجامد، تعیین‌کننده نیست؛ آنچه مهم است، عمل و نیت شماست.

نیتهای خود را خالص کنید و با هر نامی که در دانشگاه به فعالیت اسلامی سرگرمید، آن فعالیت را منتظم، هوشمندانه، همراه با حکمت و کاردانی و به دور از جنجال‌های بیهوده و تعارض‌های بدفرجام شکل دهید.

امروز کشور به دانشگاهی که حقیقتاً اسلامی باشد، نیازمند است. در دانشگاه اسلامی علم، با دین، و تلاشگری با اخلاق، و تضارب افکار با سعه صدر، و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و زرف‌نگری با سرعت عمل، و خلاصه دنیا با آخرت همراه است.

چنین دانشگاهی است که کشور را آباد می‌کند، و به نظام اسلامی آبرو می‌بخشد. و به پیشرفت توأم علم و اخلاق در جهان کمک می‌کند. اگر اسلامی شدن دانشگاه را با این دید در نظر آورید، خواهید دید که برای این کار، تلاش استاد و شاگرد و مدیر دانشجو و درس و برنامه و کتاب، همه و همه ضرور و دخیل است و البته نقش مجتمعات دانشجویی اسلامی و به ویژه دفاتر نمایندگی در آن ممتاز و برجسته است.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان 1373/09/03

عظمت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، در سیره‌ی آن بزرگوار آشکار است. یک مسئله این است که ما چه شناختی از فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها داریم؟ این یک حرف است. بالاخره دوستان اهل بیت علیهم‌السلام، در طول زمان، تا آنجا که توانستند سعی کردند به حقّ دختر پیغمبر، فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها معرفت پیدا کنند. چنین هم نیست که کسی خیال کند همان‌طور که در زمان ما، این بزرگوار این‌قدر در دل‌ها عزیز و در چشم‌ها شیرین است، همیشه همین‌طور بوده است. امروز بحمد الله دوران اسلامی است، دوران حکومت قرآن است، دوران حکومت علوی و حکومت اهل بیت علیهم‌السلام است و آنچه در دل‌هاست، بر زبان‌ها جاری می‌شود. قدیمی‌ترین دانشگاه اسلامی در دنیای اسلام- مربوط به قرن سوم و چهارم- به نام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیهاست. نام دانشگاه معروف «الازهر» در مصر از نام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها گرفته شده است. در گذشته به نام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها دانشگاه تأسیس می‌کردند. حتی خلفای فاطمی که بر مصر حکومت می‌کردند، شیعه بودند. قرن‌هاست که شیعه سعی کرده به حقّ این بزرگوار معرفت پیدا کند. این، یک مسئله است. مسأله‌ی دیگر این است که ما باید راه را از همه‌ی ستارگان پیاموریم؛ «و بالتّجّم هم یهتدون». انسان عاقل این‌گونه است. از ستاره باید استفاده کرد. ستاره در آسمان است و می‌درخشد. آنجا عالم عظیمی است. مگر این ستاره همینی است که من و شما می‌بینیم؟ بعضی از ستارگان که در آسمانند و مثل یک نقطه سوسو می‌زنند، کهکشانی هستند. گاهی یک ستاره بزرگتر است از کهکشان راه شیری که میلیاردها ستاره داخل آن است!- قدرت الهی که حدّ و اندازه‌ای ندارد- ولی من و شما آن را یک ستاره‌ی کوچک درخشان می‌بینیم. خوب؛ مقصود از این مطالب چیست؟ مقصود این است انسان عاقلی که خدا به او چشم داده است، باید از این ستاره برای امری در زندگی استفاده کند. قرآن می‌گوید: «و بالتّجّم هم یهتدون»؛ به وسیله آن راه را پیدا می‌کنند.

بیانات در دیدار جمعی از زنان 1371/09/25

محیط دانشگاه‌ها بسیار مهم است. در محیط دانشگاه‌ها، خانم‌های دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی اگر خدای نکرده در دانشگاه‌های کشور هستند که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که این‌ها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگویش فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیهاست. و این، برای آینده‌ی کشور فوق‌العاده مهم است. مخصوصاً بعضی از دانشگاه‌ها، مثل دانشگاه تربیت مدرس که در حقیقت یک نهاد انقلابی است، عنایت بیشتری داشته باشند. من همیشه گفته‌ام: انتظاری که ما از دانشگاه تربیت مدرس داریم، حتی از دانشگاه‌های دیگر ما بیشتر است. اگرچه امروز بحمد الله همه‌ی دانشگاه‌ها در زیر سایه‌ی اسلام فعالیت می‌کنند؛ اما دانشگاه تربیت مدرس، پرورده‌ی اسلام و مولود اسلام و انقلاب و ساخته‌شده با هدف تربیت استادان و مدرسین عالی‌مقام اسلامی است. لذا انتظار از این دانشگاه، بیشتر از دانشگاه‌های دیگر است. توجه مسئولین به این‌گونه مراکز هم باید توجه شایسته و بایسته‌ی آن‌ها باشد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان 1371/08/13

شما دانشجویان و دانش‌آموزان چه پسران و چه دختران وظایف سنگینی بر دوش دارید. غیر از وظیفه‌ی درس خواندن، که وظیفه‌ی دانشجویی و دانش‌آموزی است؛ وظیفه‌ی انقلابی بر دوش دارید، وظیفه‌ی اسلامی و دینی هم بر دوش دارید. چه در محیط دانشگاه‌ها و چه در محیط مدارس. این مبارزه، مبارزه‌ی امروز و یک روز و دو روز و یک سال و دو سال نیست؛ مبارزه‌ی نسل‌هاست. آن نسلی که از مبدأ و آغاز انقلاب فاصله گرفته است، اگر بخواهد ایران را به عزت برساند و بسازد و عظمت ببخشد و الگوی زنده‌ای در

مقابل ملت‌های دیگر قرار دهد و بینی استکبار را به خاک بمالد، باید یک نسل انقلابی و اسلامی و متدین باشد و آن، شما هستید. امروز دانشجویید، امروز دانش‌آموزید و فردا گردانندگان چرخ‌های این کشورید. امروز خودتان را بسازید. دانشگاه‌ها را بسازید. محیط دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید. محیط دبیرستانها را نیز همین‌طور. نمی‌بینید که دشمن، بیشترین توجهش را به این محیطها معطوف کرده است؟! این، برای چیست؟ برای این است که از این محیطها می‌ترسد. در محیط دانشگاه، جوانان انقلابی و مسلمان باید مانند یک دست، مانند یک تن، با یک فکر فکر اسلام و انقلاب حرکت کنند. محیط را محیط انقلابی و اسلامی کنید. از هر چیزی که مخل به این یگانگی در راه خدا و در راه انقلاب باشد پرهیز کنید، تا بتوانید دانشگاهی را بسازید که فردای ایران را تأمین کند؛ جمهوری اسلامی را در مقابل دشمنان و بدخواهان و ملت ایران را در مقابل دوستان و امیدواران عالم روسفید کند. محیط دبیرستانها نیز همین‌طور.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1370/09/20

ما را در مورد دانشگاه باید مشخص بکند. یعنی ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار بدهیم؛ بخصوص این نکته‌ی وابستگی، یعنی همان چیزی که متأسفانه امروز کشورهای کوچک دنیا کوچک از لحاظ وضع سیاسی و موقعیت سیاسی و کشورهای سابق به اصطلاح جهان سوم و عمدتاً کشورهای اسلامی، دچار آن هستند و چشمشان به آن طرف است.

این وابستگی را نباید با اشتیاق به فراگیری علم که هر جا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ماست؛ پیش دشمن می‌رویم، زانو می‌زنیم و از او علم را فرامی‌گیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود. این یک بحث است؛ تحت تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه‌ی علم یعنی جنبه‌ی سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر یک بحث دیگر است. آنچه که برای ما درست کردند، این دومی است. آنچه که برای به اصطلاح رایج جهان سوم خواستند و برنامه‌ریزی کردند، این دومی است. اتفاقاً کاری کردند که اولی انجام نگیرد.

این معضل بزرگ فرار مغزها که الآن دهها سال است در جهان عقب‌افتاده‌ی کنونی مطرح است، بخشی از همین قضیه است. این‌ها زده‌ها و خوب‌ها را می‌ربایند و می‌برند و اجازه نمی‌دهند حتی آن‌هایی که یاد می‌گیرند و استعداد دارند، برای آن کشورها به کار بیفتند. بنابراین، این مسأله‌ی دوم، اگر نگوئیم که بیشتر از مسأله‌ی اول در دانشگاه‌ها اهمیت دارد، حد اقل به قدر مسأله‌ی اول اهمیت دارد.

دین را باید در دانشگاه‌ها زنده کرد. دانشگاه ما بی‌دین متولد شده است؛ اینکه روشن است. دانشگاه به سبک کنونی، از ابتدا بی‌دین متولد شده؛ یعنی طراحی کردند که دانشگاه، بی‌دین زاییده بشود. این معنایش آن نیست که فلان مؤسس یک دانشگاه، آدم متدینی بوده یا نبوده؛ اصلاً به آن ربطی ندارد؛ بنای دانشگاه، یک بنای غیر دینی، بلکه ضد دینی بوده است؛ مثل روشن‌فکری کشور ما، که از ابتدا بی‌دین متولد شده است.

خاصیت دین اصیل و عمیق این است که برای نفوذ در دستگاه‌ها و در جاهای مختلف و در محیط‌های انسانی، منتظر اجازه‌ی کسی نمی‌ماند. دین، در دانشگاه و در محیط روشن‌فکری و در علم هم نفوذ کرد و همه جا رفت؛ لیکن بنا، بنای غلطی بود. این بنا بایستی دگرگون بشود و نگذاریم دوباره آن‌گونه بشود؛ البته دشمن هم بی‌کار نمی‌ماند.

بعد از انقلاب، برای انقلاب فرهنگی به معنای برگرداندن محیط دانشگاه به جهت‌گیری اسلامی واقعاً تلاش مشکوری شده است. تعدادی از اساتید، تعدادی از دانشجویان و تعدادی از مسئولان گوناگون، واقعاً کارهایی کردند که جزو ذخایر جاودانه‌ی آنها پیش خدا و پیش این ملت است. این کارها تماماً مشکور، لیکن نیمه‌تمام است؛ کامل نیست. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یکی از اهم وظایف و واجبات خودش را این قرار بدهد که ما چه کنیم تا محیط دانشگاه، محیطی باشد که در آن، پرورش دانشجو، دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه‌ی بانشاط دانشجویی باشد. این، یکی از کارهایی است که شما باید بکنید؛ اگر شما نکردید، دشمنان این ملت، نقطه‌ی مقابلش را خواهند کرد؛ کما اینکه الآن هم دارند می‌کنند؛ البته طرق مختلفی دارند.

بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی 1369/08/01

اگر دانشگاه ما دانشگاه اسلامی است، یکی از بزرگترین مظاهرش بایستی احترام بیش از حد معمول دنیا به اساتید باشد؛ مخصوصاً از طرف شاگردان. شاگرد باید به استاد، بی‌قید و شرط احترام کند. اگر آن استاد بد هم است، باید او را احترام کنند. فرض کنید استاد کافری را آوردند و در یک کلاس پُر حزب‌اللهی گذاشتند. آیا این حزب‌اللهی‌ها باید به این کافر احترام کنند، یا باید اهانت نمایند؟ خیر، باید احترامش کنند، از او تجلیل نمایند، او را بر خودشان مقدّم بدارند؛ چون استاد آنهاست، هیچ دلیل دیگر نمی‌خواهد. این در حالی است که گفتیم این شخص اصلاً معتقد به اعتقاد این‌ها نیست؛ چه رسد که استادی مؤمن و مسلمان باشد. به‌هر حال، احترام استاد در محیط دانشجویی و دانشگاهی بایستی خیلی محفوظ باشد.

بیانات در دیدار اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولیّ فقیه در دانشگاه‌های کشور 1369/07/08

ما باید کاری بکنیم که در جامعه‌ی خودمان، دانشجو جزو قشرهای برگزیده‌ی دینی باشد. یعنی هدف ما باید این باشد که در دانشگاه، دانشجویان را هم از لحاظ آگاهی و معرفت و هم از لحاظ استحکام ایمان، به عناصر زبده‌ی برگزیده‌ی دینی تبدیل کنیم. طبیعی است که این‌ها در آینده، خدمت برای جمهوری اسلامی را هم تضمین خواهند کرد. ان شاء الله بایستی در این جهت پیش برویم.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1368/09/21

مسأله‌ی دیگر به دانشگاه‌ها برمی‌گردد. البته مدارس هم هستند؛ اما بخصوص دانشگاه‌ها مهم‌ترند. باید به ذهنیت دانشجویان و جوانان و اعتقادات و روحیه‌ی اسلامی و انقلابی آنها، خیلی توجه بشود. حقیقتاً جوانان موتور و راه‌اندازنده‌ی حرکت‌های بزرگ- هم مثبت و هم منفی- در جامعه هستند. اگر ما بتوانیم این مجموعه‌ی جوان با فرهنگ را که در نقطه‌ی بی‌نام دانشگاه جمع شده‌اند، به سمت روحیه‌ی انقلابی و اسلامی جهت بدهیم، به نظر می‌رسد که کشور و انقلاب، بزرگترین سود را از این بابت خواهد برد.

در گذشته، دانشگاه نقطه‌ی بی‌نام بود که در آن، بی‌فرهنگی اسلامی بیش از جاهای دیگر و یا در ردیف بدترین جاها بود. این، کاری بود که رژیم و دستگاه‌های فرهنگی گذشته دنبال می‌کردند و توجه داشتند که این کار در دانشگاه‌ها انجام بگیرد. مقاصد سیاسی پشت سر این قضیه بود. به نظر من، امروز باید طوری باشد که ورود در دانشگاه، مثل ورود در حوزه‌ی علمیه باشد. همچنان که در حوزه‌ی علمیه، انسان معرفت و دین و تعبد می‌آموزد، کسی هم که به دانشگاه وارد شد، حتی اگر از مبانی اسلامی و انقلابی فاصله هم دارد، دانشگاه در طی این مدت، او را با مبانی اسلامی و انقلابی آشنا کند و متعبد سازد.

به همین خاطر است که بایستی به تربیت دینی و گرایش‌ها و روحیه‌ی پُرشور انقلابی جوانان در دانشگاه اهمیت داد. فقط با زبان هم نمی‌شود. این کار، مقدماتی لازم دارد. عناصری که در دانشگاه‌ها به کار گرفته می‌شوند، آن‌هایی که مؤثرند، آن‌هایی که در مراکز حساس واقع می‌شوند، واقعاً باید از کسانی باشند که این انقلاب را از بن دندان قبول داشته باشند. البته ما نمی‌خواهیم بگوئیم که هر استاد و یا متخصصی که در دانشگاه‌ها تحقیق و یا تدریس می‌کنند، بایستی یک انقلابی طراز اول باشد. نه، ممکن است این فرد کاملاً قابل قبول باشد و دانش و آفری داشته باشد و انقلاب از دانش او استفاده کند. ما بیش از دانش او، چیزی از او نمی‌خواهیم. منتها در همین مورد هم نباید انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در او وجود داشته باشد؛ چون اگر این انگیزه وجود داشت، دانش او در اختیار انقلاب قرار نخواهد گرفت.

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان 1368/08/10

امروز، هر اندیشه‌ای که جوان را دچار این احساس بکند که از مسئولان و پیشروان انقلاب و مدیران کشور جداسست، این اندیشه و تفکر، از نوع همان تفکرات سیاسی غلط تزریق شده است. امروز باید ملت و دولت، پشت به پشت و دست به دست هم و در کنار یکدیگر، با تمام توان تلاش کنند تا همه‌ی طلسم‌های استکبار و سلطه را بشکنند و از بین ببرند. این، صحنه‌ی بسیار مهم و حساسی است. تفکری که شما را هدایت خواهد کرد و باید بکنند، تفکر اسلامی است. باید در دانشگاه‌ها به تفکرات اسلامی و کار

اهمیت دانشگاه و نقش دانشگاهیان در نظام جمهوری اسلامی و برای آینده آن، از جمله اموری است که مدیران کشور و مخصوصاً متصدیان امور فرهنگی، نباید لحظه‌یی نسبت به آن غفلت ورزند. امام فقیده و عظیم‌الشان ما، در دهها سند مکتوب و توصیه‌ی شفاهی مضبوط، این مهم را گوشزد و نسبت به آن تأکید فرموده‌اند. دانشگاه ما اگر اسلامی باشد، خواهد توانست بار علمی و اداری جامعه را در جهت استقلال و آزادی و سربلندی کشور بر دوش بکشد و پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی در آینده باشد و اگر اسلامی نباشد، به همان بلیه‌ای دچار خواهد شد که در دهها سال حاکمیت رژیم گذشته، به آن مبتلا شده بود؛ سقوط علمی و اخلاقی و ناتوانی از برآوردن نیازهای ملتی که اراده کرده است عقب‌ماندگی و ضعفی را که بر او تحمیل شده است، با عزم و ایمان انقلابی خود جبران کند.

شک نیست که رابطه‌ی دانشگاه با علمای دینی که معلمان دین و اخلاق و امنای معارف اسلامی می‌باشند، تأثیر شایسته‌یی در صلاح دانشگاه و سمت‌گیری اسلامی و رشد معنوی آن خواهد داشت و این چیزی است که برای آینده‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، دارای اهمیتی حیاتی است. از این رو، حضرات آقایان محترم را به‌عنوان نمایندگان خود در دانشگاه‌های سراسر کشور معین می‌کنم تا با تشکیل شبکه‌یی متین و کارآمد از فضلاء روحانی و حضور مستمر و توأم با نظارت و برنامه‌ریزی آنان در دانشگاه‌ها، روند اسلامی کردن دانشگاه را سرعت بخشید.

پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) 1368/04/23

اساتید و مدیران مراکز آموزشی و تحقیقاتی، در کنار اهتمام بلیغ نسبت به ارتقای سطح دانش و پژوهش- که پایه‌ی اصلی رشد و توسعه‌ی کشور محسوب می‌گردد- بر اسلامی کردن محیط آموزش و زدودن آثار سوء فرهنگ وارداتی و تقویت بنیه‌ی دینی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان- که امیدهای آینده‌ی کشورند- همت گمارند و با برنامه‌های ابتکاری و ضربتی، ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی و گسترش دانش در سطح جامعه را، چون هدفی مقدس تعقیب کنند.

بیانات در مراسم بیعت دانشجویان 1368/03/23

عامل دوم، جهت‌فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام (ره) و وصیت‌نامه‌ی ایشان، به این نکته‌ی اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لایبالی و بیگانه از ارزشهای دینی و بی‌تفاوت و خون‌سرد نسبت به مفاهیم و جهت‌گیری‌های انقلابی، دانشگاهی که در او نبض انقلاب زند، دانشگاهی که اعضایش- چه دانشجو و چه استاد- نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیش‌قراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام (ره) باشد.

دانشگاه جهت‌دار و دین‌دار، به‌شدت متمایل به ارزشهای انقلابی و اسلامی است. البته ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به‌هیچ‌وجه تفکیک‌پذیر نیست؛ این‌ها باهم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپش‌های انقلابی در اینجاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلاب‌های گوناگون است. پس انقلابی غیر اسلامی و اسلامی غیر انقلابی نداریم. ارزشهای انقلابی، همان ارزشهای اسلامی است.

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح 1364/09/26

اگر قرار باشد که دانشگاه ما در عین این‌که دانشگاه اسلامی است -یعنی علوم اسلامی در آنجا تدریس می‌شود، مسائل ضد اسلامی در آن جاها نمی‌آید، قیافه و شکل ظاهری دانشگاه هم اسلامی است- اما همان اخلاق دانشگاه غربی و سوغات فرنگی را باز هم داشته باشد و حفظ کند این چیز مطلوبی نیست، چیز خوبی نیست. چون غیر از محتوای درسی و علمی محتوای اخلاقی که بخش عمده‌ای از فرهنگ انسان را و یک مجموعه را تشکیل می‌دهد این چیز قابل توجهی است، باید به آن توجه بکنید.

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح 1364/09/26

ما هم حوزه لازم داریم هم دانشگاه، وحدت از آن طرف به این معنا هم نیست که اینها یک وحدت جهت‌گیری کلی داشته باشند، چون این حاصل است، انقلاب این را بوجود آورده است. انقلاب فرهنگی به خصوص در دانشگاه یک چنین چیزی را بوجود آورده و باید بیاورد. ما اگر شعار وحدت حوزه و دانشگاه را هم سر نمی‌دادیم جهت دانشگاه‌ایمان هم باید عوض می‌کردیم باید اسلامی می‌کردیم. باید به سمت هدفها و آرمانهای انقلاب دانشگاه را هدایت می‌کردیم و بر اساس آنها باید برنامه‌ریزی می‌کردیم، این یک چیز طبیعی است. بنابراین وحدت حوزه و دانشگاه که می‌گوئیم یک چیزی بیش از اینها و زائد بر اینها بایستی باشد. و الا اینها بطور طبیعی وجود دارد. ما اگر بعد از آنی که یک انقلاب بر مبنای اسلام کردیم و مردم ما در راه این انقلاب این همه فداکاری کردند، تلاش کردند، شهید دادند، سرمایه‌گذارهای بسیار گران قیمت کردند، با استکبار جهانی به خاطر تکیه‌ی به اسلام و محور قرار دادن اسلام ما درافتادیم، دشمنیهای قطبهای عظیم قدرت را در دنیا به سمت خودمان متوجه کردیم، به خاطر این‌که دم از اسلام زدیم. اگر بعد از همه‌ی این ماجراها بیکو این ملت ببیند که دانشگاهش، محل پرورش انسانهای اداره‌کننده‌ی کشور در آینده‌اش، جهت این انقلاب و این آرمانها و این اسلامها را ندارد، این‌که نقض غرض است. این‌که قابل قبول نیست، قابل توفه نیست، طبیعی است که دانشگاه انقلاب و دانشگاه جامعه‌ی اسلامی باید همان جهت‌گیرها را و همان هدفها را داشته باشد. این هم بنابراین مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه این نمی‌تواند باشد.

